

به نام خدا

اثر بخشی کلاس معکوس بر میزان یادگیری و انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان

مؤلف :

امیر حسین صفری

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۵)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

Chaponashr.ir



chaponashr.ir



iran-journals.com



سرشناسه : صفری، امیرحسین ، ۱۳۷۹
عنوان و نام پدیدآور : اثربخشی کلاس معکوس بر میزان یادگیری و انگیزه پیشرفت تحصیلی
دانش آموزان/ مولف: امیرحسین صفری
مشخصات نشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۵.
مشخصات ظاهری : ۱۱۸ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۱۸۴-۷
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه.
موضوع : اثربخشی کلاس معکوس بر میزان یادگیری و انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان
رده بندی کنگره : TP ۹۸۳
رده بندی دیویی : ۶۶۸/۵۵
شماره کتابشناسی ملی : ۸۳۷۶۱۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیبا

نام کتاب : اثربخشی کلاس معکوس بر میزان یادگیری و انگیزه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان
مولف : امیرحسین صفری
ناشر : انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: الهام غفاری
تیراژ : ۱۰۰۰ جلد
نوبت چاپ : اول - ۱۴۰۵
چاپ : زبرجد
قیمت : ۲۰۰۰۰۰ تومان
فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان :
<https://chaponashr.ir/ketabresan>
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۱۲۹-۱۸۴-۷
تلفن مرکز پخش : ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵
www.chaponashr.ir



chaponashr.ir



trapezoid.com



فهرست

پیشگفتار	۹
فصل اول: کلیات پژوهش	۱۳
مقدمه	۱۳
بیان مسئله	۱۴
اهمیت و ضرورت	۱۸
اهداف پژوهش	۲۰
فرضیه های پژوهش	۲۰
تعریف مفهومی متغیرهای پژوهش	۲۰
تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش	۲۱
خلاصه فصل	۲۱
فصل دوم: ادبیات و پیشینه پژوهش	۲۳
مقدمه	۲۳
مبانی نظری یادگیری معکوس	۲۳
مفهوم شناسی یادگیری معکوس	۲۴
تعاریف یادگیری معکوس	۲۶
کلاس معکوس یا کلاس وارونه	۲۸
فرایند کلاس معکوس	۳۰
دانش آموز و یادگیری معکوس	۳۱
معلم و یادگیری معکوس	۳۱
ویژگی کلاس معکوس	۳۳
مراحل انجام تدریس معکوس با امکانات موجود	۳۵

توصیه هایی جهت استفاده بهتر از رسانه های آموزشی و منابع یادگیری در تدریس معکوس	۳۵
چالشهای استفاده از شیوه یادگیری معکوس در آموزش	۳۶
یادگیری معکوس در دبستان	۳۷
مزایای تدریس به روش معکوس	۳۸
درگیر کردن والدین در فرآیند یادگیری معکوس در دوره دبستان	۳۹
مبانی نظری یادگیری	۴۱
ماهیت یادگیری	۴۱
عوامل و شرایط مؤثر در یادگیری آمادگی	۴۳
انگیزش	۴۳
تجارب گذشته	۴۴
موقعیت و محیط یادگیری	۴۵
روش تدریس معلم	۴۵
رابطه کل و جزء	۴۶
تمرین و تکرار	۴۶
فرصتها و تجارب یادگیری	۴۷
اصول کلی انتخاب فرصتها و فعالیتهای یادگیری	۴۹
نظریه های یادگیری	۵۱
نظریه لوح سفید	۵۱
نظریه اندریافت	۵۲
نظریه ساخت گرایی	۵۲
نظریه کارکردگرایی	۵۳
مبانی نظری انگیزش پیشرفت تحصیلی	۵۳

انگیزش.....	۵۴
عوامل موثر بر انگیزش.....	۵۷
انگیزش درونی و بیرونی.....	۵۸
رویکردهای انگیزش تحصیلی.....	۶۰
رویکرد کلاسیک یا سنتی.....	۶۱
رویکرد نئوکلاسیک یا روابط انسانی.....	۶۱
رویکردهای روانشناختی در زمینه انگیزش تحصیلی.....	۶۲
نظریه لذت طلبی.....	۶۲
نظریه غرایز.....	۶۲
نظریه تقویت.....	۶۲
نظریه شناخت.....	۶۳
نظریه های انگیزش تحصیلی.....	۶۳
نظریه های فعال سازی انگیزش.....	۶۳
نظریه سلسله مراتب نیازها.....	۶۴
نظریه دو جنبه ای انگیزش انسان (Y,X).....	۶۵
نظریه دوعاملی انگیزشی.....	۶۵
تئوری لذت گرایی مک کللند.....	۶۶
نظریه نیازهای زیستی، تعلق و رشد.....	۶۶
نظریه های فرآیندی.....	۶۷
نظریه انتظار و احتمال.....	۶۷
نظریه برابری.....	۶۸
نظریه هدف گذاری.....	۶۸

۶۸.....	نظریه تقویت و اصلاح رفتار
۶۹.....	بررسی انگیزش تحصیلی
۷۰	شکوفای شدن انگیزش تحصیلی
۷۰	انگیزش تحصیلی در دانش آموزان
۷۱	پیشینه پژوهش
۷۱	پیشینه داخلی
۷۸	پیشینه خارجی
۸۰	جمع بندی
۸۳	فصل سوم: روش تحقیق
۸۳	مقدمه
۸۳	روش تحقیق
۸۳	جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه
۸۴	متغیرهای پژوهش
۸۴	ابزار گردآوری اطلاعات
۸۴	پرسشنامه استاندارد انگیزه پیشرفت تحصیلی هارتر
۸۴	روایی و پایایی پرسشنامه
۸۵	آزمون یادگیری
۸۵	جلسات آموزش یادگیری معکوس
۸۷	نحوه اجرا
۸۷	روش ها و ابزار تجزیه و تحلیل داده ها
۸۹.....	فصل چهارم: یافته های پژوهش
۸۹	یافته های توصیفی

۹۱	 بررسی پیش فرض های پژوهش
۹۱	 پیش فرض نرمال بودن
۹۳	 پیش فرض تساوی واریانس ها
۹۳	 همگنی شیب رگرسیون
۹۴	 بررسی فرضیه های پژوهش
۹۴	 بررسی فرضیه اول
۹۶	 بررسی فرضیه دوم
۹۹	 فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری
۹۹	 مقدمه
۹۹	 یافته های پژوهش
۹۹	 بررسی فرضیه اول
۱۰۱	 بررسی فرضیه دوم
۱۰۴	 بحث و نتیجه گیری
۱۰۶	 محدودیتهای پژوهش
۱۰۷	 پیشنهاد های پژوهش
۱۰۷	 پیشنهاد های پژوهشی
۱۰۷	 پیشنهاد های کاربردی
۱۰۹	 منابع و مأخذ
۱۰۹	 منابع فارسی
۱۱۴	 منابع لاتین

پیشگفتار

آموزش، همواره یکی از بنیادی‌ترین نیازهای بشری و اثرگذارترین حوزه‌های شکل‌گیری شخصیت، توانایی‌ها و آینده کودکان بوده است. هر جامعه‌ای که بخواهد فردایی روشن و پربار بسازد، ناگزیر باید از امروز برای دانش‌آموزان خود سرمایه‌گذاری کند؛ سرمایه‌ای نه از جنس ساختمان‌ها و تجهیزات، بلکه از جنس تفکر، انگیزه، خلاقیت و یادگیری‌های ماندگار. سال‌هاست که در کلاس‌های درس نشسته‌ایم، درس داده‌ایم، یاد گرفته‌ایم و تجربه کرده‌ایم، اما آنچه امروز بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود، این است که نسل جدید با نیازها، ویژگی‌ها و شیوه‌های یادگیری متفاوتی وارد مدرسه می‌شود. آنان کودکانی هستند که در جهانی پر از اطلاعات، تصویر، سرعت و تعامل رشد می‌کنند. طبیعی است که دیگر روش‌های سنتی، که بر انتقال یک‌سویه مفاهیم تکیه دارند، نمی‌تواند پاسخگوی ذهن‌های کنجکاو و پویای آنان باشد.

در میان همه تحولاتی که در این سال‌ها در حوزه آموزش رخ داده، یک رویکرد بیش از باقی روش‌ها توجه من را به خود جلب کرد: «کلاس معکوس». رویکردی که نه یک تکنولوژی تازه، بلکه نوعی نگاه جدید به یادگیری است؛ نگاهی که باور دارد یادگیری زمانی معنا پیدا می‌کند که کودک در مرکز آن قرار بگیرد، فرصت تجربه داشته باشد، بپرسد، کشف کند و خود در ساختن مسیر یادگیری‌اش نقش داشته باشد. کلاس معکوس می‌کوشد جای سخنرانی‌های طولانی را با تعامل، فعالیت، تمرین، گفت‌وگو و مشارکت فعال دانش‌آموزان پر کند. به جای آنکه زمان کلاس صرف انتقال مفاهیم شود، این مفاهیم پیش از ورود به کلاس در اختیار دانش‌آموز قرار می‌گیرد و در کلاس، معلم و دانش‌آموزان همراه یکدیگر به تعمیق درک مفاهیم می‌پردازند.

اهمیت این روش زمانی بیشتر آشکار می‌شود که به درس علوم تجربی فکر کنیم؛ درسی که اساس آن بر مشاهده، پرسشگری، آزمایش و کشف پدیده‌های اطراف استوار است. علوم را نمی‌توان تنها با حفظ کردن یاد گرفت. علوم نیازمند لمس کردن، دیدن، تجربه کردن و ارتباط دادن مفاهیم با زندگی واقعی است. چه بسیار دانش‌آموزانی که در کلاس علوم تنها شنونده بودند، بدون آنکه فرصت داشته باشند موضوعی را لمس کنند، آزمایشی را تجربه کنند یا پرسشی را با خیال راحت مطرح کنند. همین‌جا بود که فهمیدم روش‌های سنتی، اگرچه سال‌ها کارکرد داشته‌اند، اما دیگر برای کودکان امروز کافی نیستند.

در کنار یادگیری مفاهیم علمی، مسئله مهم دیگری نیز وجود دارد: انگیزه. سال‌ها مشاهده کلاس‌های درس نشان داد که بخش بزرگی از چالش‌های تحصیلی، نه به توانایی دانش‌آموز مربوط

است و نه به محتوای درس؛ بلکه به انگیزه او برای یادگیری بازمی‌گردد. دانش‌آموزی که انگیزه دارد، حتی اگر مسیر یادگیری دشوار باشد، ادامه می‌دهد. پرسش می‌کند، تمرین می‌کند، اشتباه می‌کند و از اشتباه خود می‌آموزد. اما دانش‌آموزی که انگیزه ندارد، حتی ساده‌ترین بخش‌های درس را نیز با دشواری پشت سر می‌گذارد. بنابراین، آنچه می‌تواند کیفیت یادگیری را متحول کند، تنها روش تدریس یا محتوای آموزشی نیست، بلکه نوع رابطه کودک با یادگیری و میزان اشتیاق اوست.

کلاس معکوس از این جهت نیز اهمیت دارد که فرصت تجربه‌های موفق، مشارکت فعال و احساس مالکیت بر یادگیری را در دانش‌آموز تقویت می‌کند؛ و این همان چیزی است که انگیزه را می‌سازد. زمانی که کودک احساس کند یادگیری یک کار تحمیلی نیست، بلکه فرصتی برای کشف و رشد است، نگاهش به درس تغییر می‌کند. وقتی می‌بیند می‌تواند در کلاس نظر بدهد، سؤال بپرسد، فعالیت انجام دهد و نقش فعال داشته باشد، اعتمادبه‌نفسش افزایش می‌یابد. این اعتمادبه‌نفس به تدریج به انگیزه پیشرفت تبدیل می‌شود.

اندیشه نگارش این کتاب زمانی شکل گرفت که مشاهده کردم اجرای شیوه‌های نوین آموزشی، از جمله کلاس معکوس، چگونه می‌تواند فضای کلاس را زنده، پویا و اثرگذار کند. دانش‌آموزانی که پیش از این تنها شنونده بودند، حالا مشارکت می‌کردند. کسانی که معمولاً سؤال نمی‌پرسیدند، به جای پنهان شدن پشت نیمکت‌ها، با شجاعت بیشتری کنجکاوی خود را نشان می‌دادند. فعالیت‌ها، گفت‌وگوها، کارهای گروهی، آزمایش‌ها و فرصت‌های یادگیری عملی باعث شده بود که درس علوم دیگر یک متن خشک در کتاب نباشد، بلکه تجربه‌ای ملموس و واقعی شود.

در این مسیر، بیش از هر چیز باور کردم که یادگیری یک روند فردی و منحصر به فرد است و هیچ روشی نمی‌تواند برای همه دانش‌آموزان، در همه شرایط و برای همیشه پاسخگو باشد. اما برخی روش‌ها، مانند کلاس معکوس، ظرفیت انعطاف‌پذیری بیشتری دارند و می‌توانند با نیازهای متنوع دانش‌آموزان سازگار شوند. این کتاب حاصل سال‌ها تجربه، مطالعه و مشاهده است؛ تلاشی برای اینکه معلمان، والدین و علاقه‌مندان حوزه تعلیم و تربیت با یکی از اثربخش‌ترین رویکردهای آموزش نوین آشنا شوند و راه‌هایی عملی برای استفاده از آن در کلاس درس بیابند.

کتاب پیش رو نه تنها درباره این روش توضیح می‌دهد، بلکه تلاش دارد نشان دهد چرا و چگونه می‌توان کلاس درس را به محیطی شاداب‌تر، مؤثرتر و انسانی‌تر تبدیل کرد. باور دارم که معلم امروز بیش از هر زمان دیگر نیازمند ابزار، روش و نگرشی تازه است تا بتواند با پیچیدگی‌های دنیای آموزشی امروز همراه شود. اگر معلمی توانایی ایجاد محیطی پویا و مشارکتی را داشته باشد، دانش‌آموز نیز توانایی یادگیری عمیق‌تر و انگیزه بیشتر را در خود خواهد یافت.

باور من این است که هیچ روشی کامل نیست، اما هر روش می‌تواند دریچه‌ای تازه به روی یادگیری بگشاید. امیدوارم این کتاب بتواند برای معلمان، والدین و دانشجویان حوزه آموزش الهام‌بخش باشد و آنان را در مسیر بهبود کیفیت تدریس و یادگیری یاری دهد. چه زیباست که بتوانیم آینده را با دست‌هایی بسازیم که امروز در کلاس درس در کنار ما نشسته‌اند. آینده‌ای که از همین لحظه از پشت نیمکت‌ها آغاز می‌شود؛ جایی که هر پرسش کوچک می‌تواند جرقه‌ای برای یک تغییر بزرگ باشد.

در پایان، امید دارم آنچه در این کتاب می‌آید بتواند گامی کوچک برای ایجاد تحول در آموزش باشد؛ تحولی که در نهایت به رشد دانش‌آموزانی پرسشگر، خلاق، توانمند و مشتاق یادگیری منجر شود. نسلی که بتواند مسائل جهان آینده را با دانش، انگیزه و تفکر نقادانه حل کند. به امید آنکه این کتاب بتواند همراهی کوچک در مسیر بزرگ معلمی باشد؛ مسیری که ارزش آن فراتر از واژه‌هاست.

فصل اول

کلیات پژوهش

مقدمه

آموزش به روش کلاس معکوس شکل جدیدی از تدریس در کلاس های درسی است. در این نوع کلاسها فعالیتهای کلامی، یعنی یادگیری اصلی درس، در خانه و توسط دانش آموزان انجام میشود (شکر باغانی اشرف السادات، ۱۳۹۸). ورود بیماری کرونا و همه گیری بعد از آن باعث افزایش توجه ها به سمت روش های غیرمتمرکز محور در آموزش و پرورش شده است. یکی از راهکارهایی که این دوره موردتوجه قرار گرفت روش تدریس معکوس بوده که در آن دانش آموزان برای یادگیری محتوای دروس در منزل از منابعی که معلم به آنها پیشنهاد میکند مثلاً از ویدیوهای آموزشی استفاده میکنند (جوشقان نژاد و باقری، ۱۳۹۷). تحقیقاتی در این زمینه توسط ین در سال ۲۰۲۰ انجام شده و آن را در شرایط کرونا بهترین روش ممکن دانسته است همچنین در انتهای مقاله خود دانشگاه ها و مراکز آموزشی را به ادامه تدریس به روش معکوس بعد از اتمام کرونا دعوت می کند (ین^۱، ۲۰۲۰). زیرا دانش آموزان می توانند برای دسترسی به ویدیوها از سایت های اینترنتی معتبر استفاده کنند و یا توسط خود معلم با اهداف مشخص تهیه و در اختیار آن ها قرار داده می شود و سپس فعالیت هایی را که به طور سنتی در خانه انجام میشود از قبیل انجام تکالیف و فعالیتهای درسی، در کلاس انجام دهند (معین، ۱۳۹۷). درواقع معکوس نامیده شدن این نوع روش تدریس نیز به همین دلیل است. پس کلاس معکوس میتواند مکانی برای تعامل با معلم و سایر دانش آموزان، یادگیری دانش آموزان از یکدیگر و انجام کار عملی به شکل گروهی باشد و از این طریق میتوان تحرک، نشاط و پویایی کلاس های درسی را افزایش داد (محمدی، ۱۳۹۷).

^۱ Yen

بیان مسئله

امروزه تأثیر روش تدریس فعال در تعلیم و تربیت واقعی، کمتر مورد تردید و سؤال قرار میگیرد (حسینی، ۱۴۰۰). تعریف تدریس با همهٔ سهولت ظاهری، از صعوبت زیادی برخوردار است؛ به طوری که نقش انکارناپذیر این فعالیت در فرایندهای آموزشی و پرورشی موجب آن شده که برای وضع مطلوب آن اندیشه ورزی شود (مقرب اللهی، ۱۴۰۱). کاستیهای روشهای سنتی تدریس، پیشرفتهای فنی و اقتضائات دنیای امروز، لزوم رویکردهای جدیدی به آموزش را ایجاب کرده است (نجفی، حقگو، کاوه و منصوری، ۱۴۰۱). روش آموزش سنتی یا حضوری با مسائلی مانند یادگیری انفعالی و غفلت از مشارکت خود یادگیرنده، نادیده گرفتن تفاوتها و نیازهای یادگیرندگان، بی توجهی به حل مسئله و تفکر انتقادی، با انتقاد مواجه شده است و با پیامدهای مهمی همچون فرسودگی تحصیلی، کاهش انگیزه، احساس عدم کارایی و ... همراه بوده است. یکی از عواملی که میتواند این پیامدهای منفی را در یادگیرندگان کاهش دهد، استفاده از روشهای آموزشی متنوع و جدید است (ملکی آوارسین و مصطفی پور، ۱۳۹۴).

سازنده گرایی، دیدگاهی روانشناختی و فلسفی است که طبق آن افراد بیشتر آنچه را که یاد میگیرند، خود میسازند و شکل میدهند. نظریهٔ سازنده گرا مبتنی بر این فرض است که افراد با ساختن درک و دانشی از جهان، از راه تجربه و تعمق یاد میگیرند (بارکزی، ۱۴۰۰). براساس رویکرد سازنده گرایی، یادگیرنده نیاز دارد هر نوع مسئله را موشکافانه جستجو کند، سؤال طرح کند، دانسته های قبلی را مرور کرده و راهبردی برای مداخله ارائه دهد؛ بنابراین یادگیرندگان، خالق دانش خود به شکلی فعال هستند (محمدی عزیزآبادی، ۱۳۹۹). سازنده گرایان میگویند ذهن، اساس و ابزار تعبیر و تفسیر رخدادها، اشیا و چشم اندازهای جهان است و این بدان معناست که همهٔ ما براساس مجموعهٔ منحصربه فرد تجربه هایمان از جهان و بر وفق باورها و نگرشهایمان دربارهٔ تجربه های به دست آمده جهان بیرونی را متفاوت تر درک میکنیم (آقازاده، ۱۳۹۶). در دهه های اخیر، شاهد تحول رویکردهای جدید انتقال دانش با گذار از دیدگاه رفتارگرایی به دیدگاه سازنده گرایی بوده ایم. در سازنده گرایی تأکید متخصصان بر استفاده از روشهای نوین دانش آموزمحور است. منظور از آموزش دانش آموزمحور، آموزشی است که در آن فراگیران به کمک معلم، خود مسئولیت درک و فهم مطالب را به عهده میگیرند (شائو و مینگ^۱، ۲۰۲۲).

^۱ Shao and Ming

همچنین ارزشیابی فعالیتهای یادگیری سازنده گرایانه، براساس بازده های یادگیری خواهد بود (استوارت^۱، ۲۰۲۱) و از آنجاکه درس علوم تجربی یکی از دروس مهم دوران تحصیل فراگیران است و هدف از تدریس آن آموزش پدیده هایی است که در زندگی روزانه مشاهده میشوند و به زندگی فرد و جامعه ای که فرد در آن زندگی میکند، کمک میکند و میتوان آن را با استفاده از نظریه سازنده گرا به خوبی آموزش داد (مسعودی، ۱۴۰۱).

درس علوم تجربی این کمک را به کودکان میکند تا روشهای شناخت دنیای اطراف خود را بهبود بخشند. آموختن علوم تجربی، همچون سوادآموزی و حساب، امری اساسی و ضروری است و با پیشرفت فناوری اهمیت آن بیشتر شده است. به عبارت دیگر، آموزش علوم تجربی بیشتر به آموزش شیوه یادگیری میپردازد و آگاهی از آن برای هرکودکی لازم است. به طور حتم، علوم تجربی را با روش سخنرانی یا حفظ و تکرار نمیتوان آموزش داد؛ بنابراین ضروری است تا معلم روش مناسبی را برای تدریس انتخاب کند (هارلن، ۱۳۹۵).

همچنین، یکی دیگر از دلایل پرورش مهارتها در آموزش علوم این است که بسیاری از مفاهیم که در کتابهای درسی به دانش آموزان آموخته میشود، پس از مدتی فراموش میشوند (سیدیک، ایشارتونو، دستایا، پراینتو، آنیف و هیدایت^۲، ۲۰۲۱)؛ به همین دلیل باید سعی شود تا علاوه بر مفاهیم پایه، راهی را به دانش آموزان نشان دهیم که خودشان بتوانند به دنبال دانش لازم برای خود باشند، برای یادگیری وقت کمتری صرف کنند و آنچه را می آموزند، پایدارتر و عمیقتر باشد (احمدیان چاشمی، رستگارپور و موسوی، ۱۴۰۱). بنابراین میتوان روشهایی را که با رویکرد سازنده گرایی ارتباط بسیار نزدیکی دارند، راه حل معضلات عصر حاضر در نظر گرفت.

برای اینکه دانش آموز در کلاس درس مشارکت کند، انگیزه و علاقه نقش عمده ای در جریان یادگیری بازی میکند. کیفیت انگیزشی دانش آموزان تا اندازه ای به سبک تدریس معلم وابسته است، در حقیقت یک معلم دانش آموز محور و منعطف میتواند دانش آموزان را فعال کند و آنها را به داشتن هسته علیت درونی هدایت کند. یکی از سازه های اولیه ای که روانشناسان برای تعیین این جنبه از پیشرفت ارائه کرده اند انگیزش پیشرفت است. انگیزش پیشرفت عبارت است از گرایش همه جانبه به ارزیابی عملکرد خود، با توجه به عالی ترین معیارها، تلاش برای موفقیت در عملکرد و بهره مندی از لذتی که با موفقیت در عملکرد همراه است، پیشرفت کودکان در

^۱ Stewart

^۲ Siddiq, Ishartuno, Destaya, Prainito, Anif and Hidayt